

تحولات تشکیلات و سازمان‌های مبارزه با تخلفات اقتصادی

محمدجواد فتحی*

ناپه‌سامانی‌های اقتصادی علاوه بر این که یکی از عوامل مؤثر در پیدایش جرایم مختلف است، خود نیز به گونه‌ای معلول جرایم و تخلفات بزه‌کاران اقتصادی است، لذا ضرورت دارد قانون‌گذار برای مبارزه با آن‌ها سازمان و تشکیلات کارآمد و مؤثری ایجاد کند. مطالعه سوابق سازمان‌های متکفل امر مبارزه با جرایم اقتصادی نشان می‌دهد هر از چندگامی، آن هم پس از به وجود آمدن یک بحران، با عجله قوانینی به تصویب رسیده است که در دراز مدت نه تنها کارآمد نبوده بلکه خود سبب ایجاد معضلات دیگری گردیده است. این مقاله با این هدف تدوین گردیده که قانون‌گذار را از تجربه مجدد راه‌های بی‌ثمر برحذر داشته و به سمت راه‌کارهای مبتنی بر اصول و موازین علمی رهنمون سازد.

مقدمه

شاید در وضعیت کنونی کشور، هیچ امری مهم‌تر از صیانت و حمایت از نظام اقتصادی و بهبود وضع معیشتی مردم نباشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر درباره بازرگانان و اصناف می‌فرمایند:

و بدانید رعیت چند دسته می‌باشند که کار بعضی به سامان نمی‌رسد مگر به بعض دیگر، و گروهی را از گروه دیگر بی‌نیازی نیست... و از جمله آنان بازرگانان و صنعتگران هستند که برای هیچ‌یک از اقشار مردم نظام و آسایش وجود ندارد مگر به سبب این قشر که کالاهایشان را جمع نموده و بازارها را ایجاد می‌کنند و کارهایی انجام می‌دهند که سعی و کوشش دیگران نمی‌تواند آن کارها را سامان دهد.^۱

توجه به تنظیم برنامه بازار و کنترل امور اقتصادی کشور، موجب سلامت جامعه و پیشرفت سایر امور اجتماع می‌گردد و این امر میسر نمی‌شود مگر این‌که قانون‌گذار با تدوین کارشناسانه سیاست جنایی دقیق و راه‌گشا، موجبات آن را فراهم آورد و با احصا و تعریف تخلفات و جرایم اقتصادی، مجازات‌های مناسب را معین نموده و سازمان و تشکیلاتی سالم و به دور از فسادهای رایج اداری بنا نهد و در این مسیر طی طریق نماید. بدیهی است استفاده از روش‌های به کار گرفته شده در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته نیز می‌تواند به قانون‌گذار ما یاری رساند.

روش‌های انصرافی و قضازدایی که از اواخر قرن نوزدهم توسط مکاتب دفاع اجتماعی مطرح و در زمینه مبارزه علمی با بزه‌کاری ترسیم شده‌اند، انتخابی است که سیاست جنایی نوین بدان سو متمایل است. در واقع سیاست جنایی کنونی به سوی محدود کردن اوصاف مجرمانه، مجازات‌ها و کاهش تراکم کار محاکم گرایش دارد. نگاهی کوتاه به قانون‌گذاری سایر کشورهای پیشرفته دنیا نشان دهنده همراهی با این سیاست است، چنان‌که در کشور آلمان، جنبه کیفری از برخی جرایم کم اهمیت (در عمل معادل جرایم خلافی در کشور فرانسه) سلب گردیده و مقنن آن‌ها را صرفاً به عنوان جرایم علیه نظم (Ordnungswidrigkeiten) تلقی کرده و به عنوان ضمانت اجرا برای آن‌ها، جزای نقدی منحصراً اداری در نظر گرفته است.^۲ در کانادا نوعی محکمه زدایی

پیشنهاد شده است که با رهانیدن ذینفع از فرایند کیفری می‌توان با او برخورد‌های مدنی، اداری، تربیتی و به ویژه اجتماعی داشت. بدین ترتیب در این کشور تنها جرایم مهم که فراسوی مرز اغماض از انحراف قرار دارند در صلاحیت دستگاه دادگستری کیفری به معنی اخص کلمه هستند.^۳

طرح تعزیرات حکومتی با آنچه در مکتب دفاع اجتماعی نوین به عنوان قضازدایی مطرح شده است قابل مقایسه و تطبیق است؛ خصوصاً بعد از تصویب ماده واحده اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) که رسیدگی به تخلفات اقتصادی، به قوه مجریه محول گردید. می‌توان گفت قانون‌گذار ما به نوعی با یافته‌های مکتب دفاع اجتماعی در قضازدایی همراهی نموده و از آن‌ها تأثیر پذیرفته است.

موضوع تعزیرات حکومتی و تشکیلات متکفل امور تنظیم برنامه بازار و کنترل نظام اقتصادی کشور، از نظر فقهی نیز مسبوق به سابقه است. نهاد حسبه در تاریخ اسلام، در بسیاری از صلاحیت‌ها و وظایف با طرح تعزیرات حکومتی امروز ما تطابق و همخوانی دارد. یکی از اساتید صاحب‌نظر، تعزیرات حکومتی را به نحوی تعریف و معنا فرموده‌اند که با تعریف حسبه در کلام نویسندگان کتب احکام سلطانی، به نوعی تطبیق دارد. ایشان می‌نویسند:

تعزیرات حکومتی یعنی تنبیه و ادب کردن که از ناحیه فرمانروا و حاکم اعمال می‌گردد و از نظر فقهی یکی از اقسام حکم حکومتی است.... و آن حکمی است که ولی جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده طبق مصالح عمومی برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی با مردم، سازمان‌ها با یکدیگر، افراد با یکدیگر در مورد مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی، نظامی، جنگ و صلح، بهداشت، عمران و آبادی، طرق و شوارع، اوزان و مقادیر، ضرب سکه، تجارت داخلی و خارجی، امور ارزی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظافت و زیبایی شهرها و سرزمین‌های سایر مسائل مقرر داشته است.^۴

آنچه مسلم است تشکیلات فعلی تعزیرات حکومتی، به رغم نزدیکی و تقریبی که با

نهاد حسبه دارد، با یکدیگر انطباق کامل نداشته و در واقع نسبت منطقی بین تعزیرات حکومتی و نهاد حسبه، عموم و خصوص من وجه است.

از این رو در این مقاله سعی شده است ضمن بیان سابقه فقهی موضوع و پرداختن اختصاری به نهاد حسبه، سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌های حاکم بر ایران (از ابتدای امر قانون‌گذاری تاکنون) مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا اولاً، با مقایسه وضعیت موجود با آنچه تاکنون رخ داده است، نقاط ضعف و قوت تشکیلات و سیستم فعلی متصدی امر تنظیم بازار واضح و مبرهن شود و ثانیاً، قانون‌گذار و دیگر دست‌اندرکاران، با شناخت دقیق‌تر موضوع و وقوف بر آنچه که تاکنون اتفاق افتاده است، مکانیسم‌هایی را دوباره مورد تجربه و نهایتاً قانون‌گذاری قرار ندهند که در تاریخ گذشته ایران اعمال شده و نتیجه موفق‌ی نداشته است و ثالثاً، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا تدابیر اتخاذ شده از آغاز تاکنون روندی تکاملی داشته است و یا صرفاً سیاست‌هایی مقطعی بوده که به عنوان مسکن، جهت برقراری نظم و ثبات اقتصادی موقت و زودگذر، در موقعیت‌های بحرانی اتخاذ می‌شده است؟

مبحث اول: سابقه فقهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱) نهاد حسبه

در بررسی سابقه فقهی موضوع، به تأسیسی به نام نهاد حسبه برخورد می‌کنیم. اصطلاح حسبه هرچند واژه ای قرآنی و روایی نیست، در فقه شیعه و سنی کاربرد فراوانی دارد. در اصطلاح متأخرین شیعه، این واژه بیشتر هنگام بحث از مبنای حکومت، ولایت و جواز تصرف استعمال شده، اما در فقه اهل سنت، در بناء و اجزاء و تشکیلات حکومت به کار رفته است. بنابراین، آنچه مسلم است نقطه مشترک در همه کاربردهای حسبه، ارتباط مستقیمی است که این نهاد با ولایت و نظام حکومت دارد.^۵ حسبه از ریشه «حَسَبَ» به معنای شمارش کردن است و موارد استعمال آن عبارت است از: انجام دادن کاری برای رضای خدا^۶، نیکویی در تدبیر امور اجتماع^۷، خبرجویی

و تجسس^۸، رسیدگی به وضع بازاریان و صاحبان حرفه‌ها و منع از تقلبات کسبه و اصناف و کارهایی نظیر آن‌ها.^۹

ابن اخوه، وظیفه محتسب را در مسائل مربوط به دانش اقتصاد یعنی کسب و کار و پیمانه و ترازو و اوزان و مقادیر و نیز خواص انواع گیاهان دارویی و سایر مواد دارویی و هم‌چنین علم اجتماع یعنی رفتار عمومی و مناسبات مردم با یکدیگر و حسن معاشرت و منع از تجاوز و تعدی افراد به همدیگر و حتی منع از آزار رسانیدن به ستور و سرانجام درباره بهداشت عمومی می‌داند و می‌نویسد:

حسبه یکی از پایه‌های امور دینی است و پیشوایان صدر اسلام خود بدین کار مباشرت می‌کردند زیرا نیکی آن و ثوابش فراوان است. چون کار نیکو متروک شود، حسبت امر به معروف خواهد بود و چون کار بد پیدا شود، نهی از منکر و اصلاح مردم است. خدای تعالی می‌فرماید:

لا خیر فی کثیر نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس^{۱۰}؛ یعنی در غالب نجواهایی که می‌کنند سودی نیست مگر آن‌که کسی به صدقه یا کار نیکو فرمان دهد و یا به اصلاح مردم بپردازد. محتسب از سوی امام یا نایب وی برای نظارت در احوال رعیت و بازبینی کارها و مصالح آنان (از قبیل معاملات و خرید و فروش و غذا و لباس و آب و مسکن آنان و امور مربوط به راه‌ها از جهت امنیت و غیره) و امر آن‌ها به معروف و نهی‌شان از منکر) تعیین می‌شود.

محتسب را شرط است که آزاد و بالغ و عاقل و عادل و قادر باشد.....^{۱۱}

ابن خلدون نیز حسبه را یکی از وظایف دینی و از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می‌داند که اجرای آن بر متصدیان انجام امور مسلمین واجب گردیده است. وی وظیفه محتسب را بدین شرح آورده است:

محتسب از منکرات تفتیش نموده و تنبیه و تأدیبی متناسب با منکر اجرا می‌کند و مردم را به رعایت مصالح عمومی در شهر وادار می‌کند و از بند آوردن راه‌های شهر جلوگیری می‌کند و خدمه کشتی‌ها را از حمل بار اضافه بر ظرفیت آن‌ها منع کرده و به صاحبان ساختمان‌هایی که خطر ریزش دارند دستور می‌دهد که ساختمانشان را

تخریب کنند و هر چیزی را که احتمال ضرر آن بر غایبین در معابر عمومی می‌رود برمی‌چیند و آموزگاران را از زیاده‌روی در تنبیه و خشونت نشان دادن به بچه‌های نوآموز در مدارس منع می‌کند. البته حکم و مداخله او منحصر به موارد دعوا و طرح شکایت و استمداد نمی‌شود بلکه او می‌تواند ابتدائاً مسائل خلافی را تحقیق نموده و در مواردی که اطلاع پیدا می‌کند ملاحظه و حکم صادر نماید، هر چند که او نمی‌تواند در مورد همه دعاوی مطروحه اعمال نظر کند بلکه دایره عملیاتی او منحصر به اموری است که به تقلب و تدلیس و غیر آن و به وزن‌ها و اندازه‌ها مربوط می‌شود و نیز او می‌تواند کسانی را که از پرداخت دیون خود سر باز می‌زنند و در آن تعلق و تأخیر روا می‌دارند وادار به انصاف و پرداخت نماید و مانند این اموری که احتیاج به تشریفات قضایی مانند گوش دادن شهادت شهود و تنفیذ حکم ندارد. به نظر می‌رسد که در موارد یاد شده به جهت همگانی بودن این امور و سهولت حصول غرض از آن‌ها رسیدگی به آن‌ها به دستگاه قضایی محول نشده بلکه به مسئول حسب و واگذار شده است.^{۱۲}

کتانی نیز از "کشف الظنون" نقل می‌کند:

علم احتساب از امور جاری مردم کشور - مثل معاملات که زندگی شهری بدون آن شکل نمی‌گیرد - از لحاظ جریان آن بر طبق یک قانون و دستور العمل عادلانه به طوری که تراضی طرفین معامله را تضمین کند و هم‌چنین از تدبیر و اداره امور بندگان خدا به وسیله نهی از منکر و امر به معروف - البته به آن ترتیبی که خلیفه صلاح می‌داند و به نحوی که به اختلاف و برتری‌جویی مردم منجر نشود - بحث می‌کند. پاره‌ای از ادله و مبادی آن فقهی است (مثل حرمت زنا و سرقت) و قسمتی دیگر امور استحسانی است که از نظر و رأی خلیفه نشئت می‌گیرد و هدف از آموختن علم احتساب، به دست آوردن توانایی کنترل امور کشور می‌باشد و فایده آن جریان دادن امور کشور در مجاری آن به بهترین طرز ممکن است و این علم یکی از دقیق‌ترین علوم است و افرادی که دارای درک نافذ و حدس صحیح نباشد نمی‌توانند آن را درک کنند، چون اشخاص و اوضاع و زمان‌های یک کشور همواره بر یک روش ثابت نیست بلکه برای هر زمان و برای هر وضعی، سیاستی خاص لازم است و آن (شناخت وضعیت اجتماعی هر عصر و تشخیص

سیاست متناسب با آن وضعیت) یکی از مشکل‌ترین کارها است، بدین جهت برای اداره امور آن جز کسی که دارای قدرت الهیه و به دور از هوا و هوس باشد شایستگی ندارد.^{۱۳}

بنا بر آنچه در کتب حاسبه و باب الحاسبه از کتب احکام سلطانیه درباره وظایف و صلاحیت‌های محتسب آمده است می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان دو رکن اصلی نام برد و در مباحث جزئی‌تر موارد ذیل از وظایف محتسب، به شمار می‌رود:

۱- نظارت بر امور بازار و بازاریابی از قبیل نظام و آبادانی بازار، صحت و سلامت ترازوها و وزنه‌ها و سایر وسایل اندازه‌گیری، نهی از غش و تدلیس و فریب در معاملات، جلوگیری از داد و ستدهای ناروا از قبیل بیع‌های باطل، ربا، سلم باطل، اجاره باطل، شرکت باطل و ترویج مسکوک قلب، جلوگیری از احتکارها کالاها و ستودن کالا به صفاتی که حقیقت ندارد، دقت نظر در سلامت تولیدات، جلوگیری از سد معابر و نصب دکه در محل گذر و...

۲- مبارزه با منکرات آشکار از قبیل نهی از میخواری در ملاء عام، منع از اشراف و سرکشیدن بر منازل دیگران، جلوگیری از مزاحمت بانوان، جلوگیری از نبش قبور و اهانت به اموات، جلوگیری از نصب ناودان‌هایی که از دیوار بیرون آید و آب آن بر سر رهگذران ریزد، ممانعت از گدایانی که در بازار نشسته و قرآن می‌خوانند و...

۳- گسترش نیکی‌ها و اجرای معروف از قبیل نظارت بر اجرای صحیح و به موقع نمازهای جمعه و جماعت، طریقه احداث مساجد و نحوه تزئین آن‌ها، پیراستن مراسم مذهبی از خرافات، وادار کردن اولیا به ترویج دختران با اکفای آنان، الزام زنان مطلقه به رعایت احکام عده الهی، الزام پزشکان به این‌که رازها را فاش نسازند و از کارهای ناروا بپرهیزند، سوگند دادن پزشکان که به کسی داروی زیانبخش ندهند، نظارت بر مرییان اطفال و...

۲) حاسبه در سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی

روایات و گزارشات فراوانی در تاریخ اسلام وجود دارد که دلالت می‌کند پیامبر

بزرگوار اسلام ﷺ و امیر مؤمنان علی ﷺ هم شخصاً و هم با نصب نمایندگان، بر اجرای عدالت و حفظ نظم بازار مسلمین نظارت می کرده‌اند.

در خیر سعد اسکاف از امام باقر ﷺ نقل شده است که حضرت فرمود:

رسول خدا ﷺ در بازار مدینه گند می را دید، به فروشنده آن فرمود گندم را پاک و از جنس خوب می بینم و سپس از قیمت آن سؤال فرمود، به حضرت الهام شد که دستش را در گندم فرو برد و آن را معاینه نماید. چون دست فرو بردند از میان آن، نوع بد و نامرغوبی از گندم بیرون آمد و به فروشنده فرمودند تو خائن و متقلب بر مسلمانان هستی. ۱۴.

حضرت علی ﷺ نیز در حالی که تازیانه‌ای به دست می گرفت، در بازارها به راه می افتاد و کسانی را که در خرید و فروش مسلمین کم فروشی و یا تقلب می کردند، با آن تنبیه می نمود. ۱۵.

کلینی و شیخ طوسی از جابر از امام باقر ﷺ نقل می کنند که حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین ﷺ در کوفه پیش روی شما، هر روز صبح زود از مرکز خلافت خود بیرون آمده و بازارهای کوفه را در حالی که تازیانه‌ای همراه داشتند که دو سر داشت و به آن سبیه می گفتند، بازار به بازار می گشت و در مقابل بازاریان می ایستاد و خطاب به آنان می فرمود: *شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
ای کاسب‌ها! از خدا بترسید و تجار وقتی صدای آن حضرت را می شنیدند هر چه در دست داشتند به زمین گذاشته و از صمیم قلب متوجه فرمایشات آن حضرت می شدند که می فرمود:

طلب خیر را بر همه چیز مقدم دارید، با سهل المعامله بودن و آسان گرفتن در خرید و فروش به اموالتان برکت دهید و با خریداران با مهربانی و شفقت برخورد کنید. خود را با بردباری زینت دهید و از قسم خوردن دوری جسته و از دروغ‌گویی دور باشید. از ظلم کناره‌جویی کنید و با ستم‌دیدگان با عدل و انصاف برخورد کنید. دور و بر را نگریدید و در اندازه‌گیری و وزن کردن کم نگذاشته و از مقدار آن کم نکنید و اجناس مردم را بی ارزش و فقیر و کم مقدار نسازید و خود را از مفسدین روی زمین قرار ندهید» و بدین نحو به

تمام بازارها یکی پس از دیگری سر می‌زدند.^{۱۶}

حبابه‌الوالیبه می‌گوید:

حضرت امیر علیه السلام را در بین ضابطین نظامی دیدم شلاقی دو شقه در دست داشت و با آن فروشندگانی را تنبیه می‌کرد که ماهی‌های بی‌فلس و حرام و مارماهی و ماهی خاردار می‌فروختند.^{۱۷}

در "نهج‌البلاغه" نیز آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک دستور دادند تا بازرگانان را از احتکار باز دارد و کسانی را که پس از نهی او دست به احتکار می‌زنند تحت پیگرد قانونی قرار دهد.^{۱۸}

در روایتی آمده است:

حضرت علی علیه السلام مردی را که بین مردم زعفران تقسیم می‌کرد و می‌خواست در ترازو فزونی دهد (کم‌فروشی کند) فرا خواند و با تازیانه بر دست او نواخت و فرمود:
همانا وزن کردن به یکسانی و عدالت است.^{۱۹}

"ترتیب‌الاداریه" از ابن‌عبدالبر در کتاب "استیعاب" نقل می‌کند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سعید بن سعید بن عاص را بعد از فتح مکه به نظارت در امور بازار و کسب و کار بازاری‌های مکه گماشت.^{۲۰}

بنابراین اجمالاً روشن گردید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به امر حسب‌به اهتمام می‌ورزیدند به گونه‌ای که گاهی شخصاً انجام این مسئولیت مهم را به عهده می‌گرفتند.

۳) تفاوت قضا و حسب

ماوردی می‌گوید:

احکام حسب با احکام قضا در دو مورد موافق، در دو مورد از آن کوتاه و در دو مورد بر آن زیادت دارد. اما دو مورد موافق، نخست این‌که رواست که به محتسب درباره حقوق آدمیان شکایت کنند و او دعوی شاکی را بر مشتکی عنه بشنود و این عام نیست بلکه منحصر است به بخش (کم دادن حق کسی) و کم‌فروشی در پیمان‌ها یا وزن یا غش یا

تدلیس در کالا یا بها یا تأخیر وام در صورت تمکن وام‌دار، که این‌ها منکرات آشکارند و محتسب برای رفع همین امور و نیز به پا داشتن کار نیک که وظیفه اوست منصوب است. چه موضوع حسبه احقاق حق و یاری کردن بر استیفای حقوق است. مورد دوم این است که محتسب، مدعی علیه را آن‌گاه که اقرار به تعدی می‌کند و توانایی بازگردانیدن حق مدعی را داشته باشد به ایفای حق مجبور کند، زیرا تأخیر در این امر ناروا و تعدی است. اما دو موردی که خارج از کار حسبه و به قضا مربوط است یکی شنیدن دعوایی است که بیرون از ظواهر منکرات است مانند عقد و فرض و فسخ. دوم این که منحصر به حقوقی است که بدان اقرار شود اما در صورت انکار، اقامه دلیل و گواهان لازم است که از وظایف قاضی است.

زیادت حسبه به احکام قضا، یکی در موردی است که محتسب می‌تواند در امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر تفحص کند اگر چه شکایتی در میان نباشد ولی قاضی جز به وجود مدعی و شاکی نمی‌تواند اقدام کند. دوم این که مأمور حسبه را سلطه‌ای است که به موجب آن بر نگهبانان در آن‌چه مربوط به منکرات باشد نظارت دارد و قاضی را این سلطه نیست، زیرا حسبه بر پایه ترس نهاده شده و استفاده محتسب از سلطه و درشتی، تعدی و تجاوز از منصب نیست.^{۲۱}

یعنی در واقع نسبت بین قضا و حسبه، از نظر منطقی، عموم و خصوص من وجه است و علاوه بر وجود وجوه مشترک، هر کدام دایره اجرایی مستقلی نیز دارند.

مبحث دوم: نحوه مقابله با تخلفات اقتصادی

۱) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

همزمان با جنگ جهانی دوم، کشور ما در زمینه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی دچار بحران شد. در این میان، بحران‌زدگی در بخش اقتصادی نمود بیش‌تری داشت و افراد سودجو و فرصت‌طلب به دنبال احتکار کالاهای ضروری و اساسی مردم و ایجاد بازار سیاه و فروش آن کالاهای به بالاتر از نرخ واقعی بودند لذا برای

اولین بار در ماده ۱۰۱ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷، تحصیل و احتکار کالاهای انحصاری دولت جرم تلقی شد و قانون‌گذار برای کسانی که این کالاها را زاید بر مصرف خود و بستگانشان تحصیل می‌نمودند و بدین وسیله از دسترسی دولت و مصرف کنندگان خارج می‌کردند، مجازات تعیین نمود و در ذیل همین ماده، عاملین فروش رسمی و یا فروشندگان مجاز کالاهای انحصاری دولت را در صورتی که کالاها را زاید از نرخ مقرر به فروش برسانند به عنوان گران‌فروش قابل تعقیب اعلام کرد.^{۲۲} به دنبال آن، قانون راجع به جلوگیری از احتکار (مصوب سال ۱۳۲۰) در ماده ۴۱، کلیه بازرگانان و بنکداران و خرده فروش‌ها را مکلف نمود تا مطابق قیمتی که دولت تعیین می‌نماید کالاهای خود را به فروش برسانند و برای تخلف از آن مجازات پیش‌بینی کرد. در ماده ۸ همین قانون تدابیری برای قطع نمودن دست واسطه‌ها پیش‌بینی شده بود و در ماده ۱۰۱ خرید کالاهای ضروری از طرف غیر تاجر به منظور تجارت جرم اعلام شد تا بدین وسیله دست دلالان و واسطه‌هایی که موجب افزایش بهای کالاها می‌شوند کوتاه شود.

در سال ۱۳۲۲ ماده واحده راجع به کیفر گران‌فروشان تصویب گردید و به مدت سی سال یعنی تا سال ۱۳۵۱ که قانون مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی به تصویب رسید، لازم الاجرا بود. لازم به ذکر است که در خلال این سی سال قانون مذکور مورد اصلاحاتی قرار گرفت. به موجب تبصره ۳ ماده واحده راجع به کیفر گران‌فروشان، وزارت دادگستری برای سرعت رسیدگی و اجرای کیفرهای مذکور در قانون، مکلف به تهیه آیین‌نامه گردید که آیین‌نامه‌ای در ۹ ماده تنظیم شد. به موجب ماده اول آیین‌نامه، وزارت دادگستری موظف گردید قضات به خصوصی را در شهرداری‌ها و برزنها مستقر نماید تا به جرایم مندرج در قانون مصوب سال ۱۳۲۲ رسیدگی نمایند و طبق ماده ۶ آیین‌نامه، این قضات ملزم به رعایت تشریفات آیین دادرسی نبودند و خود تحقیقات ابتدایی را تصدی نموده و پس از ختم تحقیقات بلافاصله به صدور رأی مبادرت می‌نمودند، رأی صادره نیز قطعی بودند و فوراً به معرض اجرا در می‌آمدند.

در سال ۱۳۵۱ قانون نظام صنفی تصویب شد که به موجب ماده ۶۳ مکرر آن، وزارت دادگستری اختیار پیدا نمود طبق پیشنهاد کمیسیون نظارت و تأیید هیئت عالی نظارت، در

محل، اتاق اصناف مهیا نماید و دادگاه‌هایی را برای رسیدگی به تخلفات افراد صنفی تشکیل دهد. البته در مورد دادگاه‌های نظام صنفی اختیارات وزیر دادگستری محدود به پیشنهاد اتاق اصناف بود. اتاق اصناف نیز به موجب قانون مذکور تشکیل می‌شد و اعضای آن به نسبت تعداد جمعیت هر شهر معین می‌گردید که حداکثر اعضای نفر (در تهران) و حداقل آن پنج نفر بود. اعضای اتاق اصناف از طرف اتحادیه‌های صنفی معین می‌شدند، و در جاهایی که اتاق اصناف تشکیل نمی‌گردید وظایف آن به عهده شهرداری‌ها بود. اتاق‌های اصناف در مورد تنظیم و تنسيق امور کسبه و اصناف، وظایف و اختیارات وسیعی داشتند و دادن پروانه کسب و لغو آن نیز در حدود مقررات، بر عهده اتاق اصناف بود.

آرای دادگاه‌های نظام صنفی (طبق بند "ه" ماده ۶۳ مکرر این قانون) برخی قطعی، تعدادی قابل پژوهش، و در مواردی قابل پژوهش و فرجام بود. نهایتاً در سال ۱۳۵۳ به لحاظ نابه‌سامانی شدیدی که در امر عرضه و تقاضای کالاهای مورد نیاز عمومی پیدا شده بود دولت ناگزیر شد قانون تنظیم و توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان را به تصویب برساند. مطابق ماده ۱۱ قانون مذکور، قابل اجرا شدن این قانون به طور مطلق به دولت واگذار شده بود و دادگاه‌های صالح، محاکم نظامی بودند و مجازات اعدام نیز در این قانون برای کسانی که به قصد اخلال در امنیت و ایجاد تزلزل در اقتصاد عمومی کشور اقدام می‌نمودند، پیش‌بینی شده بود.

۲) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۲-۱- دهه اول انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به بحران سیاسی به وجود آمده بر اثر تغییر حکومت و سوء استفاده اقتصادی توسط برخی افراد سودجو و ایجاد هرج و مرج در بازار، ضرورت تصویب قانون جامع که پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی روز بوده و وضعیت بازار را کنترل و تنظیم نماید، محسوس بود. به همین جهت شورای انقلاب در سال

۱۳۵۹ مبادرت به تصویب قانون نظام صنفی نمود. به موجب این قانون، اتحادیه‌های صنفی و شورای مرکزی اصناف و وظایف و اختیارات عدیده‌ای را عهده‌دار شدند و صلاحیت رسیدگی به تخلفات مذکور در قانون به محاکم دادگستری واگذار شد. متأسفانه حجم بالای وظایف و صلاحیت‌های محاکم دادگستری مانع از رسیدگی سریع و برخورد قاطع با جرایم و تخلفات اقتصادی گردید لذا در عمل ستادهای مبارزه با گران‌فروشی به تصدی دولت تشکیل گردیدند که این ستادها نیز با توجه به پیچیدگی‌های امور اقتصادی و ظرافت و اهمیت فوق‌العاده مسائل مربوط به معیشت مردم، نه تنها کارساز نبودند که خود در عدم کنترل بازار، نقش و تأثیر مضاعفی داشتند.

با مشخص شدن ناکارآمدی ستادهای مبارزه با گران‌فروشی، و طولانی شدن زمان رسیدگی به جرایم و تخلفات اقتصادی در شعب دادگاه‌های عمومی، به موجب ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب (مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۹) رسیدگی به گران‌فروشی و احتکار ارزاق عمومی در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب قرار گرفت و رسیدگی به سایر جرایم و تخلفات اقتصادی کماکان در صلاحیت دادگاه‌های عمومی باقی ماند.

در نهایت به دستور شورای عالی قضایی، بدون جداسازی مراجع صالح به رسیدگی، دادرهای ویژه امور صنفی در تهران و مراکز استان‌ها تأسیس گردید که به رغم محسنات و موفقیت‌هایی که در اصلاح و کنترل بازار داشتند لیکن به لحاظ سراسری نبودن دادرهای مذکور و عدم وجود قوانین و مقررات مورد نیاز، متخلفین اقتصادی با تغییر و انتقال دایره عمل خود از مراکز استان‌ها به شهرستان‌ها، هم‌چنان به ضربه زدن به نظام اقتصادی کشور مشغول بودند تا این که این دادرها با تصویب قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) منحل گردیدند.

۲-۲. طرح تعزیرات حکومتی^{۲۳}

طرح تعزیرات حکومتی به موجب مصوبه ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام شروع گردید و هم‌اکنون دوره دوم خود را می‌گذراند، بدین معنا که دوره اول آن با تصویب قانون تعزیرات حکومتی شروع و تا دیماه سال ۱۳۶۹ ادامه پیدا کرد و پس از آن

صلاحیت کمیسیون‌های تعزیرات حکومتی به قوه قضاییه واگذار شد و تشکیلات تعزیرات حکومتی مستقر در استانداری‌ها منحل گردید و دوره دوم آن نیز از ۱۳۷۳/۸/۷ آغاز و تاکنون ادامه دارد^{۲۴} لذا در بررسی تشکیلات این طرح، موضوع را در دو دوره متمایز مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

دوره اول: اجرای محدود طرح

چنان‌که گذشت این دوره با تصویب قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) شروع و در دی‌ماه سال ۱۳۶۹ با واگذاری صلاحیت کمیسیون‌های تعزیرات حکومتی به قوه قضاییه به پایان رسید.

در این دوره، تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی (به موجب فصل سوم قانون) از تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی (به موجب فصل چهارم قانون) از یکدیگر متمایز شدند و بخش دولتی را قوه مجریه متکفل گردید و بخش غیردولتی به قوه قضاییه محول شد.

۱- تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی

ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی، تخلفات و جرایم اقتصادی وزارت خانه‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و ملی شده را با عنایت به اوصاف مجرمانه پانزده گانه مقرر در فصل اول قانون مذکور و با توجه به اینکه درآمد حاصل از تخلفات در جهت منافع و مصالح شرکت یا دستگاه ذیربط منظور شده باشد، و یا هیچ‌گونه درآمدی عاید نشده باشد در سه بند مجزا مورد مجازات قرار داده است.

این اوصاف پانزده گانه عبارت انداز:

گران‌فروشی، کم‌فروشی، تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه^{۲۵}، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، عدم درج قیمت، عدم صدور فاکتور، عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی، نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی، فروش ارزی و

ریالی^{۲۶}، فروش اجباری، و عدم اعلام موجودی کالا^{۲۷}.

هم‌چنین به منظور اعمال نظارت و کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی بخش دولتی، به موجب مواد ۱۹ - ۲۸ قانون تعزیرات حکومتی، کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی، کمیسیون تعزیرات حکومتی استان‌ها، واحد رسیدگی به شکایات، و کمیسیون حل اختلاف ایجاد گردید.

۱-۱- کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی

کمیسیون مرکزی وظایف زیر را به عهده داشت: ۱- پیشنهاد فهرست کالاها و خدمات مشمول طرح تعزیرات حکومتی بخش دولتی؛ ۲- تشکیل واحدهای داخلی کمیسیون مرکزی و تعیین ترکیب اعضا و تصویب شرح وظایف و آیین‌نامه اجرایی، مالی و استخدامی؛ ۳- تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به تعزیرات حکومتی بخش دولتی؛ ۴- تعیین بازرس و صدور کارت بازرسی از واحدهای مشمول قانون تعزیرات حکومتی؛ ۵- رسیدگی و صدور حکم و اتخاذ تصمیم در مورد متخلفان؛ ۶- نظارت بر عملکرد کمیسیون‌های تعزیرات حکومتی استان‌ها.

و اعضای این کمیسیون عبارت بودند از:

۱- معاون نخست وزیر به عنوان رئیس کمیسیون؛ ۲- نماینده دادستان کل کشور از دادسرای انقلاب؛ ۳- معاون برنامه‌ریزی و وزارت کشور؛ ۴- معاون وزارت اطلاعات؛ ۵- معاون امور مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ ۶- مدیر عامل سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به نمایندگی از وزارت بازرگانی؛ ۷- معاون وزارت خانه ذیربط (حسب مورد).

جلسات کمیسیون مرکزی با حضور پنج نفر از اعضا رسمیت می‌یافت و احکام صادره و مصوبات، حداقل با رأی چهار نفر اعتبار پیدا می‌کرد و واحدهای انتظامی اعم از کمیته انقلاب اسلامی، زندان‌مری، شهربانی و مسئولین بانک‌ها و زندان‌ها و ادارات ثبت اسناد و سایر دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلاب اسلامی، موظف به اجرای احکام صادره از سوی کمیسیون مرکزی بودند.

۲- ۱- کمیسیون تعزیرات استان‌ها

طبق ماده ۲۱ قانون تعزیرات حکومتی، در استان‌هایی که تشکیل کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی با تأیید نخست وزیر ضرورت پیدا می‌کرد، کمیسیونی مرکب از: استاندار به عنوان رئیس کمیسیون، دادستان انقلاب، معاون برنامه‌ریزی استاندار، مدیر کل اطلاعات، مدیر کل امور اقتصادی و دارایی، مدیر کل بازرگانی و مدیر کل وزارت خانه ذیربط تشکیل می‌گردید.

نصاب رسمیت جلسات کمیسیون تعزیرات حکومتی استان و اعتبار آرای صادره، مشابه کمیسیون مرکزی بود. ضمناً رئیس و سایر اعضای کمیسیون تعزیرات استان در قبال کمیسیون مرکزی، در چهارچوب قانون تعزیرات حکومتی و آیین‌نامه‌های مربوط، مسئولیت داشته و در صورت احراز تخلف رئیس و یا هر یک از اعضای کمیسیون تعزیرات استان، مراتب از سوی کمیسیون مرکزی به واحد رسیدگی به شکایات احاله می‌گردید.

۳-۱- واحد رسیدگی به شکایات

به منظور رسیدگی به شکایات از احکام صادره توسط کمیسیون مرکزی و کمیسیون‌های استان‌ها و تجدیدنظر در آن‌ها و همچنین رسیدگی به تخلفات مجریان تعزیرات حکومتی بخش دولتی، واحدی زیر نظر نخست‌وزیر و با ترکیب ذیل تشکیل گردید: ۱- نماینده نخست‌وزیر به عنوان رئیس واحد؛ ۲- یکی از قضات دادگاه‌های انقلاب به نمایندگی از رئیس دیوان عالی کشور؛ ۳- یک نفر عضو ثابت از اعضای کمیسیون مرکزی به انتخاب کمیسیون.

شرح وظایف و آیین‌نامه واحد رسیدگی به شکایات، به وسیله هیئتی مرکب از نماینده رئیس دیوان عالی کشور، نماینده دادستان کل کشور و نماینده نخست‌وزیر تهیه و به تأیید رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر رسیده بود.

۴-۱- کمیسیون حل اختلاف

طبق ماده ۲۸ قانون تعزیرات حکومتی، کمیسیون حل اختلاف مرکب از نخست‌وزیر و وزرای امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی بود و در مواردی که در اجرای مقررات تعزیرات حکومتی بخش دولتی و اجرای ضوابط توزیع اقلام مشمول طرح، بین

وزارت‌خانه‌های ذیربط ناهماهنگی و اختلاف نظر به وجود می‌آمد، این کمیسیون‌ها با اعلام رأی قطعی خود که برای تمامی دستگاه‌ها لازم الاجرا بود به اختلاف نظرها پایان می‌داد.

۲- تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی

رسیدگی به تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی و صدور حکم، توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی انجام می‌گرفت و دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی مکلف بودند پرونده‌های تعزیرات حکومتی را خارج از نوبت و مقدم بر سایر پرونده‌ها رسیدگی نمایند. به موجب تبصره ۱ ماده ۳۶ قانون تعزیرات حکومتی، علاوه بر قضات دادگاه‌های انقلاب اسلامی، دادیاران و دادستان‌هایی که رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور آن‌ها را صالح می‌دانستند نیز، حق صدور احکام تعزیری را داشتند.

احکام صادره ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ، و در مواردی که محکوم علیه دور از دسترس باشد، ظرف بیست روز پس از تاریخ ابلاغ، در دیوان عالی کشور قابل اعتراض بود. ضمناً در مورد مجازات‌های تذکر کتبی، اخطار، توبیخ و اخذ تعهد، رسیدگی و صدور حکم به عهده وزارت بازرگانی بود و شعب دادگاه‌های انقلاب، تنها بعد از این موارد، صلاحیت صدور احکام مبتنی بر مراتب مجازات را داشتند که این امر در عمل مشکلاتی را ایجاد می‌نمود. *رساله جامع علوم انسانی*

در قسمت تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی، ستاد مرکزی تعزیرات و واحد رسیدگی به شکایات وجود داشت که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۱-۲- ستاد مرکزی تعزیرات

ستاد مذکور مرکب بود از:

- ۱- وزیر بازرگانی و رئیس هیئت عالی نظارت به عنوان رئیس ستاد؛ ۲- وزیر کشور؛ ۳- رئیس شورای مرکزی اصناف؛ ۴- نماینده تام‌الاختیار رئیس دیوان عالی کشور؛ ۵- وزیر صنایع؛ ۶- مدیر عامل سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان جلسات ستاد مرکزی با حضور پنج نفر از اعضا رسمیت می‌یافت و تصمیمات متخذه نیز با حداقل

چهار رأی لازم الاجرا بود.

ستاد مرکزی تعزیرات حکومتی وظایف زیر را به عهده داشت:

۱- تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی، مالی و استخدامی که تهیه آیین‌نامه اجرایی مربوط

به تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی، به عهده وزارت بازرگانی بود.

۲- تصویب بودجه مورد نیاز طرح برای کلیه دستگاه‌های ذیربط در بخش غیردولتی.

۳- تعیین تعداد ناظران و نیروی انسانی اجرایی طرح، که ناظران به وسیله وزارت

بازرگانی و ادارات مربوطه به دادستان انقلاب معرفی و پس از صدور کارت بازرسی،

در حدود مقررات قانون تعزیرات حکومتی ضابط دادگستری محسوب می‌شدند و کلیه

سازمان‌های صنفی و شرکت‌های تعاونی صنفی موظف به همکاری با ناظران بودند.

۴- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی.

۵- اتخاذ تصمیمات ضروری در چهارچوب قانون تعزیرات حکومتی.

۲-۲- واحد رسیدگی به شکایات

به منظور رسیدگی به تخلفات ناظران و مأموران ذیربط، واحدی به نام واحد رسیدگی

به شکایات در وزارت بازرگانی تشکیل می‌شد که پس از احراز تخلف، موضوع جهت

رسیدگی و صدور حکم به دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارجاع می‌گردید.

در دی‌ماه سال ۱۳۶۹ بخش دولتی تشکیلات تعزیرات حکومتی به موجب مصوبه

مجمع تشخیص مصلحت نظام منحل گردید و کلیه امور قضایی این بخش به قوه قضائیه

(دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی) محول شد، یعنی در واقع دوره اول طرح

تعزیرات حکومتی در مدتی کم‌تر از دو سال و به علت عدم توفیق در رسیدن به برنامه‌ها

و اهداف تعیین شده و مورد نظر قانون‌گذار، مسیر انحلال را در پیش گرفت. پس از آن،

صلاحیت کمیسیون‌های تعزیرات حکومتی به قوه قضائیه واگذار گردید و به اوصاف

مجرمانه مصرح در قانون تعزیرات حکومتی و سایر قوانین و مقررات، همانند سایر

جرایم در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شد. بنابراین، در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ -

۱۳۷۳ محاکم دادگستری طبق اصول و موازین جزایی به موضوع جرایم و تخلفات

اقتصادی رسیدگی کرده و حکم قضیه را صادر می‌نمودند.

دوره دوم: اجرای کامل طرح

به دنبال افزایش سریع قیمت‌ها و نرخ ارز در نیمه اول سال ۱۳۷۳ و به منظور نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن و هم‌چنین برای مهار تورم و رسیدگی به تخلفات اقتصادی و برخورد با گران‌فروشان، محتکران و اخلاص‌گران اقتصادی، رئیس‌جمهور وقت از مقام معظم رهبری درخواست نمودند که رسیدگی به تخلفات در بخش دولتی و غیردولتی به قوه مجریه محول شود و معظم‌له موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع نمودند و مجمع مذکور نیز در تاریخ ۷۳/۷/۱۹ با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی، امور بازرسی، نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن را در بخش دولتی و غیردولتی به دولت محول کرد تا بر اساس جرایم و مجازات‌های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳) اقدام نماید. مصوبه موصوف، ضمن تشدید مجازات‌های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی، مراتب تعزیری تذکر، اخطار و اخذ تعهد کتبی را حذف نمود. هم‌چنین تشکیلات موضوع فصل‌های سوم و چهارم قانون تعزیرات حکومتی (تشکیلات تعزیرات بخش‌های دولتی و غیردولتی) را لغو و ایجاد سازمان، تشکیلات و عوامل نظارت، بازرسی، رسیدگی، صدور و اجرای حکم و... را به تصویب آیین‌نامه هیئت وزیران موکول کرد و کلیه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی را مکلف به اجرای احکام تعزیراتی نمود.

هیئت وزیران در آیین‌نامه چهار ماده‌ای خود، با تشکیل ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار (نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور)، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، سازمان تعزیرات حکومتی و کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات به ایجاد سازمان و تشکیلات تعزیرات حکومتی اقدام نمود که در ادامه به توضیح هر کدام می‌پردازیم:

۱- ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار

بنا به پیشنهاد رئیس‌جمهور و بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی، هیئت وزیران طی مصوبه‌ای به تشکیل ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار مبادرت نمود.^{۲۸} مصوبه مذکور،

اهداف تأسیس ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار را چنین اعلام نمود: برنامه‌ریزی، پشتیبانی، ایجاد هماهنگی و نظارت در تأمین و توزیع کالاهای اساسی، حساس و ضروری کشور از طریق تأمین نیازهای واحدهای تولیدی و استفاده از حداکثر ظرفیت آنها، تنظیم عرضه کل از طریق کنترل صادرات و فراهم کردن تسهیلات کافی برای واردات کالا، سازمان‌دهی شبکه‌های توزیع و تعیین ضوابط لازم در توزیع کالا، استفاده از شبکه‌های خصوصی و تعاونی، عرضه مستقیم و زنجیره‌ای و فراهم نمودن امکانات و منابع لازم برای فعالیت‌های آنها، استفاده از توان بخش بازرگانی دولتی در تدارک مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای و مصرفی، اتخاذ تدابیر لازم در تأمین به موقع و توزیع صحیح کالاهای اساسی و ضروری کشور و بالاخره اصلاح تشکیلات و سازمان‌دهی تعزیرات حکومتی و اجرای مقررات مربوطه.

بدین ترتیب کلیه وظایف و اختیارات رئیس جمهور و هیئت وزیران در امور یاد شده و هم‌چنین وظایف و اختیارات هیئت وزیران مطرح در ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۷۳/۷/۱۹) که عبارت بود از نظارت و کنترل بر امور اقتصادی، هماهنگی بین مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، و ایجاد تشکیلات و سازمان‌های جدید طرح تعزیرات حکومتی، به ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار متشکل از نمایندگان ویژه رئیس جمهور تفویض گردید.

اعضای این ستاد مرکب‌اند از: ۱- وزیر نفت؛ ۲- وزیر بازرگانی؛ ۳- وزیر کشور؛ ۴- وزیر دادگستری؛ ۵- وزیر جهاد سازندگی؛ ۶- وزیر کشاورزی؛ ۷- وزیر معاون و فلزات؛ ۸- وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ ۹- وزیر صنایع؛ ۱۰- معاون رئیس جمهور در امور اجرایی؛ ۱۱- رئیس کل بانک مرکزی.

در تاریخ ۱۳۷۴/۶/۶ معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز به ترکیب مذکور اضافه گردید.^{۲۹}

این ستاد زیر نظر رئیس جمهور فعالیت می‌کند و تصمیمات آن با اکثریت آرا معتبر و در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران است و با عنوان «تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی» در روزنامه رسمی کشور به چاپ

می‌رسد. دبیرخانه ستاد در نهاد ریاست جمهوری مستقر است و زیر نظر معاون اجرایی رئیس جمهور انجام وظیفه می‌نماید. هم‌چنین بر اساس تصمیم جلسه مورخ ۱۳۷۴/۳/۲۱ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار به منظور تفسیر و بررسی آیین‌نامه‌های اجرایی راجع به طرح تنظیم بازار و داوری و رسیدگی به اختلافات بین دستگاه‌های اجرایی ذیربط، کمیته‌ای مرکب از معاون رئیس جمهور در امور اجرایی، وزیر دادگستری و وزیر بازرگانی ایجاد شده است که هر هفته در دبیرخانه ستاد تشکیل جلسه می‌دهد.

۲- سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات

این سازمان به منظور بازرسی و نظارت مستمر بر اجرای مقررات قیمت‌گذاری و ضوابط توزیع و تخلفات تعزیرات حکومتی در وزارت بازرگانی تشکیل و زیر نظر وزیر بازرگانی اداره می‌شود. سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و رئیس آن توسط وزیر بازرگانی تعیین و منصوب می‌گردد. عمده وظایف و اختیارات سازمان عبارت است از:

- ۱- بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات در کلیه بخش‌ها (دولتی، تعاونی، خصوصی و نهادها) اعم از تولیدات و واردات آن‌ها؛ ۲- اعمال نظارت بر اجرای قیمت‌ها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمت‌های مصوب، صدور فاکتورها، نصب برچسب و فروش؛ ۳- تدوین و اجرای روش‌های کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات؛ ۴- نظارت بر برنامه تولید و شبکه توزیع کالا و خدمات مشمول واحدهای تولیدی؛ ۵- نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات؛ ۶- اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی و واردکنندگان کالا و خدمات مشمول اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی؛ ۷- دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی، وارداتی و خدمات؛ ۸- تعیین اولویت نظارت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان؛ ۹- تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات حکومتی جهت اقدامات بعدی و پی‌گیری اخذ نتیجه اقدام طبق برنامه زمانی مصوب؛ ۱۰- بازرسی و نظارت بر تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی؛ ۱۱- نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبار کالاهای مشمول و زمان‌بندی گشایش

اعتبارات. ۱۲- مشخص نمودن زمان و نحوه اعلام اقلام و کالاهای مشمول طرح و تنظیم بازار که نیاز به اعلام موجودی دارند.^{۳۰}

نیروهای سازمان بازرسی و نظارت از میان کارمندان واجد صلاحیت کلیه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی، به صورت مأمور به خدمت تعیین می‌شوند. علاوه بر این، بازرسان سازمان می‌توانند از میان نیروهای بسیج مردمی، حراست‌ها، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی، جامعه اصناف، دانشجویان و معتمدین محل‌ها انتخاب شوند.

گزارش بازرسان و مأموران سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات بوده و تمرد، مقاومت و اهانت نسبت به بازرسان و مأموران سازمان، از مصادیق جرایم علیه مأمورین دولتی محسوب می‌گردد و مشمول مقررات قانون مجازات اسلامی می‌باشد. هم‌چنین نظرات کارشناسی سازمان جهت ملاحظه رئیس شعبه صادرکننده رأی تنظیم و ارسال می‌شود. با توجه به بند "ج" ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی که حق تجدید نظرخواهی از آرای شعب بدوی تعزیرات حکومتی را برای ریاست سازمان بازرسی و نظارت قائل شده است، سازمان تعزیرات حکومتی موظف است پس از رسیدگی و صدور حکم، یک نسخه از احکام صادره مربوط به پرونده‌های ارجاعی سازمان بازرسی و نظارت را به این سازمان ارسال نماید. آیین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت، به پیشنهاد وزیر بازرگانی در ۱۰ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۱ به تصویب رسید.

۳- سازمان تعزیرات حکومتی

این سازمان از جمله مراجع غیر دادگستری می‌باشد و صلاحیت آن نسبت به صلاحیت مراجع قضایی از نوع صلاحیت ذاتی است. شیوه رسیدگی و دادرسی در شعب تعزیرات حکومتی تابع قانون آیین دادرسی کیفری نبوده و صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های خاص و مصوبات ستاد و پشتیبانی برنامه تنظیم بازار به تخلفات و جرایم اقتصادی و سایر امور محوله رسیدگی می‌نمایند. سازمان تحت نظر وزیر دادگستری تشکیل می‌شود و رئیس سازمان معاون وزیر دادگستری است و علاوه

بر امور اجرایی سازمان، سایر وظایف قانونی را که در آیین‌نامه سازمان و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص شده است، عهده‌دار خواهد بود.

به منظور رسیدگی و صدور حکم راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، در مراکز استان و شهرستان‌ها شعبی تحت عنوان شعب تعزیرات حکومتی تشکیل گردیده است. شعب مزبور شامل شعب بدوی (ثابت و سیار)، تجدیدنظر، عالی تجدیدنظر و ویژه (تخلفات کارکنان، بهداشتی - درمانی و دارویی، و امور گمرکی) می‌باشند. شعبه عالی تجدیدنظر در مرکز تشکیل می‌گردد و چنان‌چه وزیر دادگستری آرای قطعی شعب تعزیرات حکومتی را خلاف قانون بداند پرونده را جهت رسیدگی مجدد به این شعبه ارجاع خواهد داد.^{۳۱}

برای رسیدگی به تخلفات کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی و مأموران واحدهای بازرسی و نظارت، تشکیل شعب ویژه‌ای در مراکز استان‌ها پیش‌بینی گردیده است که تاکنون به جز استان تهران، در سایر استان‌ها این شعب ویژه تشکیل نگردیده‌اند.

شعب بدوی و ویژه با حضور یک نفر رئیس تشکیل می‌گردند. شعب تجدیدنظر و عالی تجدیدنظر نیز با حضور یک نفر رئیس و دو نفر عضو تشکیل می‌شوند که جلسه شعبه با حضور دو نفر رسمیت یافته و آرای صادره با دو رأی موافق، معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

رؤسا و اعضای شعب بدوی، ویژه و تجدیدنظر به پیشنهاد مدیر کل استان با ابلاغ رئیس سازمان، و رؤسای شعب ویژه رسیدگی به تخلفات مجریان، به پیشنهاد وزیر دادگستری و تأیید رئیس جمهور با ابلاغ وزیر دادگستری منصوب می‌گردند و نصب رئیس و اعضای شعبه عالی تجدیدنظر نیز با ابلاغ وزیر دادگستری صورت می‌پذیرد.

رئیس شعبه اول بدوی و یا تجدیدنظر در مراکز استان‌ها، مدیر کل استان، و در شهرستان‌ها رئیس اداره شهرستان می‌باشند و در تهران نیز رئیس شعبه اول معاون رئیس سازمان است. شعب بدوی تعزیرات حکومتی در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌نمایند:

۱- گزارش مأمورین سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات؛

۲- گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی؛

۳- شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی؛

۴- اعلام اطلاعات، اخبار، گزارش‌های مردمی و اشخاص.

رسیدگی و صدور رأی در شعب بدوی پس از استماع دفاعیات متهم صورت می‌گیرد و طبق ماده ۲۸ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی، چنان‌چه متهم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه در شعبه حاضر نشود و لایحه‌ای نیز ارسال ننماید، شعبه غیاباً به تخلف وی رسیدگی خواهد نمود. بدیهی است با توجه به مفاد ماده ۲۸ آیین‌نامه سازمان، شعب تعزیرات حکومتی حق جلب اشخاص را ندارند. آرای شعب بدوی تعزیرات حکومتی به جز در مواردی که مجازات پیش‌بینی شده در قانون برای هر بار تا یک میلیون ریال جریمه باشد قطعی و از ناحیه محکوم علیه نسبت به مازاد آن قابل تجدیدنظر خواهی است.^{۳۲} علاوه بر محکوم علیه، شاکی خصوصی در صورت برائت متهم، اعضای کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات در استان‌ها و شهرستان‌های مربوط و رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، حق تجدیدنظر خواهی از احکام صادره را دارند. مهلت تجدیدنظر خواهی برای محکوم علیه و شاکی ده روز پس از تاریخ ابلاغ رأی و برای سایر اشخاص تا سه ماه پس از تاریخ صدور حکم خواهد بود. محکوم علیه موظف است پس از قطعیت رأی و ابلاغ آن به وی، ظرف ده روز مفاد حکم صادره را اجرا نماید.

کلیه ضابطین دستگاه قضایی و مأمورین سازمان بازرسی و نظارت، ضابط سازمان تعزیرات حکومتی نیز محسوب می‌شوند. دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندان‌ها موظف‌اند نسبت به اجرای احکام صادره از شعب تعزیرات حکومتی اقدام نمایند.

سازمان تعزیرات حکومتی پس از تصویب آیین‌نامه سازمان، به موجب مصوبات ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، برای رسیدگی به تخلفات بهداشتی، درمانی و دارویی

موضوع فصل‌های اول و سوم قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) صلاحیت ویژه پیدا کرد هم‌چنین رسیدگی به تخلفات مربوط به عدم اجرای تعهدات صادرکنندگان و قاچاق کالا و ارز، موضوع قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام) به این سازمان محول شد و به همین لحاظ برای رسیدگی به این امور به ایجاد شعب ویژه‌ای اقدام نمود.

۱-۳- تعزیرات حکومتی و امور بهداشتی، درمانی و دارویی

قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی نیز مانند قانون تعزیرات حکومتی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و این امر نشان دهنده نگاه واحد قانون‌گذار به این دو موضوع از حیث درجه اهمیت آنهاست، لیکن با توجه به متن قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۹ به نظر می‌رسد قانون مذکور شامل قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی نباشد.^{۳۳} در هر صورت، ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار به موجب مصوبه‌ای وزارت دادگستری را موظف نمود برای رسیدگی به تخلفات مربوط به دارو، شیر خشک و لوازم پزشکی یکبار مصرف، واحدهای تعزیراتی ویژه تشکیل دهد تا در چهارچوب قانون اصلاح تعزیرات حکومتی نسبت به مجازات متخلفین اقدام شود.^{۳۴} به همین جهت، در حال حاضر مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، سازمان تعزیرات حکومتی است و در مراکز استان‌ها شعب ویژه‌ای برای رسیدگی به این‌گونه امور تشکیل شده است. بدیهی است با توجه به این که تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی متفاوت از تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی است و هر کدام مجازات مخصوص به خود را دارند، شعب ویژه رسیدگی کننده به تخلفات دارویی و درمانی موظف‌اند اوصاف مجرمانه مطرح در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی را با توجه به میزان مجازات مقرر در همان قانون مورد رسیدگی و صدور حکم قرار دهند.

طبق ماده ۱۱ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، کمیسیونی در مراکز

استان‌ها تشکیل و تخلفات موضوع این قانون را بدو مورد رسیدگی قرار می‌دهد که در صورت تشخیص وقوع جرم، گزارش خود را جهت رسیدگی نهایی و صدور حکم مقتضی به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال می‌دارد، اعضای کمیسیون ماده ۱۱ عبارت‌اند از:

- ۱- سرپرست نظام پزشکی مرکز یا استان بر حسب مورد؛
- ۲- مدیر عامل سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان؛
- ۳- نماینده وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛
- ۴- نماینده وزیر صنایع^{۳۵}.

هم‌چنین رسیدگی به گزارشات تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، توسط بازرسان و ناظران ویژه‌ای انجام می‌گیرد که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌کند و بازرسان سازمان بازرسی و نظارت وزارت بازرگانی موظف‌اند در صورت برخورد با تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، پرونده مربوطه را به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی احاله نمایند.

۲-۳- تعزیرات حکومتی و امور گمرکی (قاچاق کالا و ارز)

اولین نظام‌نامه مکتوب گمرک ایران به دوران سلطنت قاجار در سال ۱۲۸۲ بر می‌گردد. در سال ۱۲۸۶ با تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات، مواردی از قاچاق اجناس ممنوعه به کشور و نحوه وارد و خارج کردن آن پیش‌بینی گردید و سرانجام در سال ۱۳۱۲ مقررات کاملی راجع به قاچاق و نحوه برخورد با مرتکبین آن تحت عنوان قانون مجازات مرتکبین قاچاق به تصویب رسید که در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ نیز مواردی از آن نسخ شد و اصلاحاتی انجام گرفت که مورد عمل و مستند محاکم قضایی بود تا این‌که در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ متعاقب ظهور و بروز نوسانات شدید در بازار پول و کالا، و ضرورت مبارزه جدی با قاچاق کالا و ارز و در مسیر برنامه‌ریزی برای جذب و هدایت بهتر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی به انگیزه کنترل نرخ ارز، کاهش تقاضای ارز و تقویت پول ملی، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا

و ارزش به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و در همین راستا طبق تبصره ۲ ماده ۴ قانون مذکور و مواد ۸ و ۹ آیین‌نامه مربوطه (مصوب ۱۳۷۴/۲/۳۱ هیئت وزیران)^{۳۶} و ماده ۴ دستورالعمل صادره توسط قوه قضاییه به شرحی که خواهد آمد، صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ها و جرایم مربوط به قاچاق کالا و ارز نیز به نوعی به سازمان تعزیرات حکومتی تفویض گردید. در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، صلاحیت اصلی برای رسیدگی به جرایم راجع به قاچاق کالا و ارز به مراجع قضایی سپرده شد تا در رسیدگی به پرونده‌ها، شعب رسیدگی کننده تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر نبوده و از جهت ایجاد وحدت رویه در نحوه رسیدگی محاکم قضایی، دستورالعمل صادره از ناحیه ریاست قوه قضاییه ملاک و مناط اعتبار باشد. دستورالعمل موصوف نیز در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۹ در ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. به موجب این دستورالعمل در شهرستان‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را خواهند داشت و عدم حضور متهم مانع از رسیدگی و صدور حکم نبوده و چنان‌چه شعبه رسیدگی کننده ادله جرم را کافی بداند به صدور رأی اقدام خواهد نمود. آرای صادره قطعی و لازم‌الاجرا بوده و بلافاصله به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ضمناً مقررات تخفیف و تعلیق مجازات در مورد جریمه نقدی، موضوع پرونده‌های قاچاق، قابل اجرا نمی‌باشد و قرار تأمین پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نیز منحصراً وثیقه متناسب با مجازات قانونی جرم یا بازداشت موقت در صورت بیم تبانی و اخفای ادله جرم، خواهد بود.

در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت شکایت از سازمان‌های شاکی^{۳۷}، سازمان تعزیرات حکومتی می‌تواند با درخواست سازمان شاکی همان پرونده را از محاکم قضایی مطالبه کند و خود طبق جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط اقدام به رسیدگی نماید. لازم به یادآوری است که مأموران انتظامی مکلف‌اند حداکثر ظرف ۲۴ ساعت بعد از کشف کالا، متهم را به سازمان‌های شاکی تحویل دهند و سازمان‌های شاکی مکلف‌اند

پرونده مربوطه را حداکثر ظرف پنج روز اداری از تاریخ کشف، تکمیل و به مراجع قضایی یا محاکم دیگر تحویل دهند.^{۳۸}

آرای صادره توسط شعب تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا و ارز نیز همانند آرای صادره توسط محاکم انقلاب و عمومی قطعی می‌باشد، لیکن در صورت صدور رأی توسط شعب تعزیرات حکومتی، چنانچه محکوم علیه خود را مبرا از توجه اتهام بداند حق دارد ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از رئیس سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی مجدد نماید. چنانچه رئیس سازمان یاد شده رأی را خلاف قانون بداند آن را نقص و جهت رسیدگی به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌دارد. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی است.

علاوه بر صلاحیت مذکور، بر اساس تصمیم جلسه مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۲ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، سازمان تعزیرات حکومتی مکلف گردید به منظور تعهد و پی‌گیری اجرای تعهدات واردکنندگان کالا برای تبدیل به محصولات صادراتی (موضوع ماده ۱۲ قانون صادرات و واردات) به پرونده افراد متخلفی که به تعهدات خود عمل نکرده‌اند نیز خارج از نوبت رسیدگی و با آنان طبق مقررات و قانون تعزیرات حکومتی رفتار نماید.

۴- کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات

کمیسیون هماهنگی در استان‌ها بالاترین مقام تشکیلات تعزیرات حکومتی است که بر جریان امور نظارت می‌کند. طبق ماده ۳ تصویب‌نامه هیئت وزیران در خصوص تعیین سازمان و تشکیلات تعزیرات^{۳۹}، در هر استان و شهرستان به ریاست استاندار و حسب مورد فرماندار و عضویت بالاترین مرجع محلی سازمان‌های بازرسی و نظارت و تعزیرات کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات تشکیل می‌گردد و وظایف آن عبارت است از:

- ۱- نظارت بر حسن اجرای قانون و آیین‌نامه‌های تعزیرات حکومتی؛
- ۲- هماهنگی و پشتیبانی لازم از مجریان طرح؛
- ۳- سایر وظایفی که ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار تعیین می‌نماید؛

۴- حق تجدید نظرخواهی از احکام صادره شعب بدوی تعزیرات حکومتی (به موجب بند ب ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی).
 بدیهی است کمیسیون‌های هماهنگی امور تعزیرات، زیر نظر ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار و در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های تنظیمی ستاد مذکور عمل می‌نمایند.

تکمله: تعزیرات حکومتی امور گندم، آرد و نان

طبق قانون شمول مجازات اخلاص‌کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلاص‌کنندگان در عرضه و توزیع گندم و آرد و نان و قند و شکر و برنج و روغن (مصوب ۱۳۵۴/۲/۳۱) رسیدگی به تخلفات و جرایم گندم و آرد و نان در صلاحیت مرجع خاصی به نام کمیسیون حفظ امنیت ملی قرار گرفت که بعد از انقلاب اسلامی نیز این صلاحیت به کمیسیون تعزیرات امور گندم و آرد و نان و سبوس تفویض گردید و تاکنون نیز این کمیسیون تنها مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم و تخلفات امور گندم و آرد و نان و سبوس می‌باشد.^{۴۰}

رسیدگی به جرایم و تخلفات گندم، آرد، نان و سبوس با تصویب آیین‌نامه تعزیرات حکومتی امور گندم و آرد و نان و سبوس (مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۶) سازمان یافت^{۴۱} و هم‌اکنون این آیین‌نامه به همراه قانون تفسیر مصوبه ۱۳۶۷/۷/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعزیرات امور گندم و آرد و نان و سبوس مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۷ و مصوبه مورخ ۱۳۶۸/۱/۱۷ مجمع ملاک و مبنای رسیدگی به این‌گونه تخلفات است.

به تجویز قسمت اول از فصل دوم آیین‌نامه تعزیرات حکومتی امور گندم و آرد و نان و سبوس، در هر استان کمیسیون تعزیرات امور گندم و آرد و نان و سبوس به ریاست استاندار، و در هر شهرستان به ریاست فرماندار تشکیل و به انجام وظایف محوله خواهد پرداخت.

ترکیب کمیسیون استان مرکب است از: ۱- استاندار (رئیس کمیسیون ویژه استان)؛ ۲- مدیر کل غله استان؛ ۳- مدیر کل بازرگانی استان؛ ۴- فرماندهی نیروی انتظامی استان^{۴۲}

عضو شورای مرکزی جهاد استان (مسئول امور شهرستان‌ها در جهاد استان).
 ترکیب کمیسیون شهرستان نیز مرکب است از: ۱- فرماندار؛ ۲- مدیر اداره غله شهرستان (در صورت فقدان اداره در شهرستان، نماینده منتخب مدیر کل غله استان)؛
 ۴- رئیس اداره بازرگانی شهرستان (در صورت فقدان اداره شهرستان، نماینده منتخب مدیر کل بازرگانی استان) فرماندهی نیروی انتظامی شهرستان؛ ۵- عضو شورای مرکزی جهاد شهرستان مدیر تعاون روستایی شهرستان.

تخلفات و جرایم موضوع امور گندم و آرد و نان و سبوس نیز به تخلفات و جرایم نانوایی‌ها، تخلفات و جرایم کارخانه‌های آرد، تخلفات و جرایم خرید و تهیه گندم، و تخلفات و جرایم عاملین اجرایی و کارکنان و مأمورین نظارت تقسیم شده است.

تخلفات و جرایم نانوایی‌ها عبارت است از کم فروشی از حیث وزن و مقدار، گران‌فروشی، فروش آرد، جابه‌جایی سهمیه، واگذاری پروانه به غیر، عدم حضور و تصدی تمام وقت در مغازه نانوایی، تعطیل خودسرانه نانوایی در ساعات کار، تغییر غیرمجاز نوع پخت، عدم عرضه نان مرغوب و بهداشتی، اضافه کردن سایر مواد غذایی در نان، عدم نصب تابلو، اعمال تبعیض در عرضه نان، عدم استفاده از خمیر مایه و جوش شیرین دریافتی، واسطه‌گری و دلالی در امر خرید و فروش غیرمجاز گندم، آرد و سبوس.

تخلفات و جرایم کارخانه‌های آرد عبارت است از: وجود گندم غیرمجاز، عدم توزیع آرد تحویلی، ارسال غیرمجاز، عدم رفع فضولات، رطوبت بیش از حد، خرید حواله، فروش و تحویل آرد بدون مشخصات لازم، دخل و تصرف در گندم‌های دولتی، قبول گندم جهت آرد بدون مجوز لازم، عدم رعایت بهداشت، عدم حسابداری منظم، تعطیل خودسرانه کارخانه.

تخلفات و جرایم خرید و تهیه گندم عبارت است از: خرید گندم با آفت، خرید گندم با مواد زاید، خرید گندم نامرغوب به عنوان گندم مرغوب، خرید صوری گندم، عدم مطابقت قرارداد با نوع گندم، جابه‌جایی غیرمجاز گندم، نگه‌داری غیرمجاز گندم، سهل‌انگاری و عدم رعایت ضوابط نگه‌داری گندم، سهل‌انگاری در اعلام احتیاج به گندم

از سوی مسئولین مربوطه، عدم ارسال به موقع گندم به کارخانه‌های آرد، عدم خرید به موقع گندم از کشاورزان.

تخلفات و جرایم عاملین اجرایی و کارکنان و مأمورین نظارت عبارت است از: سوءاستفاده، گزارش کذب، تبانی و ارتشا.

نتیجه

با توجه به پیچیدگی‌های نظام اقتصادی، و ارتباط غیرقابل انکار موضوع با فاکتورهای عدیده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... قانون‌گذار ناگزیر است در جهت حمایت از نظام اقتصادی کشور و بهبود وضعیت معاش مردم، راه‌کارهایی را عرضه و ارائه نماید که از کارایی لازم برخوردار بوده و کم‌تر دستخوش تغییر و تحول قرار گیرد. اصولاً باید حمایت کیفری را نقطه ختم سلسله مراتب انواع حمایت‌ها دانست و می‌بایست تا هنگامی که ضرورت ایجاب ننماید این راه‌کار مورد استفاده قرار نگیرد. بنابراین، ضمن این که جهت جلوگیری از وقوع جرایم و تخلفات باید برخوردی همه‌جانبه با موضوع داشت و حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... هر کدام در جای خود دیده شود، لزوماً در بُعد حمایت کیفری باید سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر پژوهش و مطالعات کارشناسانه بوده و در این مسیر از عملکرد و تجارب کشورهای توسعه یافته بهره برد تا مکانیسم‌هایی انتخاب شود و تشکیلات و سازمان‌هایی بنا نهاده شود که در گسترش قسط و عدالت در جامعه مؤثر بوده و سلامت نظام اقتصادی کشور را تضمین نماید.

بدیهی است به کار بردن تدابیر و سیاست‌های مقطعی و مسکن جهت برقراری نظم و ثبات اقتصادی که بارها توسط قانون‌گذارها تجربه شده نه تنها مؤثر و مفید واقع نبوده بلکه توالی فاسدی را نیز در پی داشته است که نهایتاً موجب دل‌سردی مردم و عدم حمایت از سیاست‌های قانون‌گذار گردیده است؛ به عبارت دیگر، عدم وجود سیاست جنایی کارساز و باثبات، باعث می‌شود یکی از مهم‌ترین فاکتورهای حمایت از نظام اقتصادی کشور که بهره‌گیری از توان و مشارکت مردم است از دست برود. همین‌طور از جمله پیامدهای فاسدی که باید مورد توجه قرار گیرد هزینه‌های هنگفتی است که صرف

اعمال سیاست‌های کیفری می‌شود، لذا باید دقت و توجه داشت که ایجاد سازمان و تشکیلات و همچنین استعمال کیفر، ضروری و مفید بوده و انتفاع آن برای جامعه از مضار آن افزون‌تر باشد، به تعبیر دیگر، استفاده از حقوق جزا باید نافع باشد و فایده حاصل از استفاده از آن، از هرگونه زیان مربوطه بیش‌تر بوده و منافع جرم شناختن عمل، لزوماً می‌بایست بر هزینه‌ها بچربد. از طرف دیگر، باید دقت نمود که با تصویب قوانین کیفری بی‌هدف و دست و پاگیر، اعتماد و اطمینان مردم برای سرمایه‌گذاری سلب نشود و نظام کیفری ناخواسته به صورت یک تالی فاسد، مانع توسعه اقتصادی کشور نگردد.

به هر حال، هر چند تعزیرات حکومتی فعلی دارای موفقیت‌هایی بوده است، لیکن تا استقرار یک نظام و تشکیلات سازمان یافته هدف‌دار و مبتنی بر علوم و فنون جدید، راه بسیار در پیش است، لذا ضرورت دارد قانون‌گذار با التفات و توجه به آنچه تاکنون پیش آمده گام‌های بلندتری را در جهت ایجاد تشکیلات و سازمان مناسب و کارساز بردارد و از آیین دادرسی‌ها مؤثر و مبتنی بر اصول پیشرفته حقوق جزا بهره جوید که از آن جمله می‌توان به احیای شوراها و خانه‌های اصناف و اعمال نظارت منسجم اداری توسط اتحادیه‌های صنفی قبل از توسل به مجازات اشاره نمود. تقسیم‌بندی و تفکیک جرایم اقتصادی بر اساس شدت و ضعف آثار مخرب آن‌ها نیز از دیگر راه‌کارهاست به نحوی که در خصوص جرایم کم اهمیت صرفاً به واکنش‌ها و اقداماتی مانند قطع تمام یا برخی خدمات دولتی، لغو کارت بازرگانی، نصب پارچه به عنوان متخلف، تعطیل و لغو پروانه واحد، قطع سهمیه و اخذ جریمه اکتفا گردد و با جرایم اقتصادی سازمان یافته و مهم، از مجازات‌هایی با ماهیت ترهیبی و تردیلی بهره گرفته شود و تمامی درآمد و منافع نامشروع به دست آمده نیز به نفع بیت‌المال مصادره شود. بدیهی است در این خصوص نیز ضروری است صلاحیت مراجع رسیدگی کننده به نحوی تعیین و تبیین گردد که موجب تداخل وظایف و اختیارات قوای مجریه و قضائیه نگردد و موجبات نقض اصول ۳۶، ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی را فراهم نسازد و این امر با رسیدگی قوه مجریه به تخلفات کم اهمیت، و صلاحیت انحصاری محاکم دادگستری برای رسیدگی به جرایم اقتصادی مهم و سازمان یافته، میسر است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامد ۵۳، ص ۱۰۰۲.
۲. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرندآبادی (چاپ اول: نشر راهنما، ۱۳۶۶) ص ۱۲۳.
۳. همان، ص ۱۲۴.
۴. ابوالقاسم گرجی، «قانون و حکومت در اسلام»، مقالات حقوقی (موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) ج ۲، ص ۲۸۷.
۵. راک: سيف الله صرامی، «نهاد حسبه در منابع فقه شیعه»، نامه مفید، شماره دوم، ص ۱۵۵.
۶. ابن منظور، لسان العرب، (بیروت، داراحیاء التراث العربی) ج ۳، ص ۱۶۶ - ۱۶۴.
۷. همان.
۸. همان.
۹. ابن اخوه، آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار (چاپ دوم: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰) ص ۱۳.
۱۰. نساء (۴) آیه ۱۱۴.
۱۱. ابن اخوه، همان، ص ۹.
۱۲. مقدمه ابن خلدون، کتاب اول، فصل ۳۱، ص ۲۲۵.
۱۳. حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، ص ۴۰۵ - ۴۰۶ به نقل از: کتانی، تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۸۷.
۱۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب بقیة الحدود و التعزیرات، حدیث ۱.
۱۵. دعائم الاسلام، ج ۲، کتاب آداب القضاء، حدیث ۱۶۱۳.
۱۶. حر عاملی، همان، ج ۱۲، ابواب آداب تجارت، باب ۲، حدیث ۱.
۱۷. حر عاملی، همان، ج ۱۶، ابواب اطعمه محرمة، باب ۹، حدیث ۱.
۱۸. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامد ۵۳، ص ۱۰۱۷.
۱۹. سيف الله صرامی، همان، به نقل از: اسلم بن سهل رزاز، تاریخ واسط (چاپ اول: بیروت، عام الکتب، ۱۴۰۶ ق) ص ۱۰۲.
۲۰. حسینعلی منتظری، همان، ص ۲۸۵ به نقل از: کتانی، همان.
۲۱. ابن اخوه، همان، ص ۱۱ - ۱۲.
۲۲. اکبر شیرازی، گرانفروشی در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۶) ص ۳۴.
۲۳. منظور از طرح تعزیرات حکومتی صرفاً سازمان تعزیرات حکومتی که از آبان‌ماه ۱۳۷۳ تشکیل گردیده است نمی‌باشد بلکه سازمان مذکور جزئی از طرح بوده و این طرح اجزای دیگری نیز دارد که شرح تفصیلی آن‌ها در این مقاله خواهد آمد.

۲۴. تصمیم شماره ۷۳/۵۴۰۹/م مورخ ۱۳۷۳/۸/۱ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار.
۲۵. عرضه خارج از شبکه عبارت است از: عرضه کالا بر خلاف ضوابط توزیع و شبکه‌های تعیین شده وزارت بازرگانی و سایر وزارت‌خانه‌ها (ماده ۵ قانون تعزیرات حکومتی).
۲۶. فروش ارزی - ربالی عبارت است از: فروش کالا یا خدمات در مقابل دریافت ارز یا ارزی‌نامه ارز صادراتی بابت تمام یا قسمتی از بهای کالا یا خدمات در داخل کشور بر خلاف مقررات قانون و مصوبات دولت (ماده ۱۴ قانون تعزیرات حکومتی).
۲۷. عدم اعلام موجودی کالا عبارت است از: عدم اظهار صحیح واحدهای عمده فروشی نسبت به مقدار موجودی کالاهای دارای نرخ رسمی که ضرورت اعلام آن توسط دولت تعیین می‌شود (ماده ۱۶ قانون تعزیرات حکومتی).
۲۸. مصوبه شماره ۴۰۲۱۴ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۳ هیئت وزیران.
۲۹. تصمیم شماره ۴۶۱۵۸ مورخ ۷۴/۶/۶ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار.
۳۰. تصمیم شماره ۹۶۸۹ مورخ ۱۳۷۴/۸/۷ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار.
۳۱. آرای صادره توسط شعب ویژه امور گمرکی (فاجاق کالا و ارز) از شمول تبصره الحاقی به ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی خارج است و در شعبه عالی تجدیدنظر، مورد رسیدگی مجدد قرار نمی‌گیرد.
۳۲. تجدید نظرخواهی از آرای شعب ویژه امور گمرکی، به نحو مندرج در تبصره ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به فاجاق کالا و ارز به عمل می‌آید و تابع قانون تعزیرات حکومتی نیست.
۳۳. نظریه شماره ۷/۱۲۷۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه عکس این نظریه است و مصوبه مورخ ۱۳۱۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام را شامل تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی نیز می‌داند (غلامرغف شهری و سروش ستوده‌چیرمی، نظریات اداره حقوقی در زمینه مسائل کیفری روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۰).
۳۴. تصمیم شماره ۱۳۰۱۵ مورخ ۱۳۷۳/۹/۲ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار.
۳۵. تصمیم شماره ۱۰۱۱۹ مورخ ۱۳۷۴/۸/۱۷ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار.
۳۶. با توجه به این که در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به فاجاق کالا و ارز، مرجع تدوین آیین‌نامه مشخص نشده است به نظر می‌رسد هیئت وزیران اختیار و صلاحیت تدوین آیین‌نامه را نداشته است.
۳۷. به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به فاجاق کالا و ارز، سازمان‌های شاکی سازمان‌هایی هستند که به موجب قوانین مربوط، به عنوان شاکی مأمور اعلام شکایت و تعیین جزای نقدی علیه متخلفان یا متیمان به فاجاق کالا و ارز می‌باشند؛ مانند گمرک، دخانیات، شیلات، بانک مرکزی، وزارت اطلاعات، سازمان میراث فرهنگی، سازمان حفاظت محیط زیست، نیروی انتظامی و اداره پست.
۳۸. با توجه به این که سازمان‌های شاکی حق صدور قرار تأمین را ندارند، در این مدت پنج روز تکلیف متهم مشخص نشده و معلوم نیست در مورد وی چه تصمیمی باید اتخاذ شود؟

۳۹. مجموعه کامل قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی (نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ص ۴۰.
۴۰. شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۶ لایحه قانونی تشکیل شورای آرد و نان را تصویب نمود که به لحاظ اختصار و صلاحیت عمده کمیسیون تعزیرات امور گندم و آرد و نان و سبوس از شرح آن خودداری گردید.
۴۱. این آیین‌نامه در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۲۶ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۱۷ توسط کمیسیون منتخب مجمع تشخیص مصلحت نظام اصلاح گردید.
- ۴۲ و ۴۳ به موجب قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، کمیته‌های انقلاب اسلامی در نیروهای انتظامی ادغام گردیدند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی